



ویژه‌نامه قدس
به مناسبت سالگرد
رحلت بنیان‌گذار
انقلاب اسلامی

۴

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین قنبریان
در نسبت جمهور مردم با ولایت مطلقه و حکمرانی دینی

خط قرمز امام رحمته الله

«بدون اینکه این ملت همراهی کند ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم. هر چی داریم از این‌هاست و هر چی هست مال این‌هاست». از این دست جملات در صحیفه امام (ره) کم نیستند، اما یک سؤال اساسی که ممکن است با خواندن این جملات به ذهن بیاید این است که مردم در نگاه امام خمینی (ره) به حکومت، چه قدر و سهمی دارند؟ این پرسشی است که از حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قنبریان، استاد حوزه و دانشگاه پرسیده‌ایم و علاوه بر آن خواسته‌ایم نظرش را در خصوص شبهاتی که در همین خصوص در نسبت ولایت مطلقه فقیه با مقوله جمهوریت و نقش مردم در حاکمیت مطرح می‌شود، بگوید. پاسخ مشروح او را در ادامه می‌خوانید.

■ مردم امام از قرآن و نهج‌البلاغه می‌آید، نه غرب و منتسکیو



در ابتدا بد نیست ببینیم امام به عنوان یک انسان عارف و در عین حال فقیه، اصولاً مردم را چطور تعریف می‌کند. اقلّاً درک او از مردمی که به عهد اسلام درآمدند و بیعتی با اسلام و مبانی اسلام کردند، چگونه است.

من مجموعه اندیشه ایشان را در دو فراز خلاصه می‌کنم: یکی اینکه مردم را مظهر اراده حضرت حق می‌دانند؛ یعنی اراده خدای متعال از دست این مردم برمی‌آید. دوم اینکه مردم را سخنگو و لسان خدای متعال می‌دانند. به نظر حضرت امام (ره) این دو مورد را نیز از امیرالمؤمنین (ع) گرفته‌اند. حضرت امیر در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه که معروف به عهدنامه مالک اشتر است، در یک جایی می‌فرماید: «وإنما عماد الدین العامة من الأمة؛ ستون دین جمهور مردم هستند».

عموم ما این‌طور شنیده‌ایم که عمود دین، نماز است، در ساخت زندگی فردی ما عمود دین، نماز است ولی از حیث اجتماعی، عماد دین «العامة من الامة» یعنی همین جمهور مردم هستند.

در فراز دیگری از همین نامه می‌فرماید: «إِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ؛ تنها راه اینکه صلاحیت‌ها و صالحان کشف شوند، آن چیزی است که خدای متعال درباره صالحان بر زبان مردم جاری می‌کند» یعنی مردم زبان خدای متعال هستند. حضرت امام (ره) نیز هر دو را برای ما معنا کرده است. وقتی می‌فرماید میزان، رأی ملت است دارد، از این فرمایش حرف می‌زند.

این‌ها را نیز امام (ره) از کسی عاریه نگرفته، از غرب و منتسکیو نگرفته، بلکه از حاکم نهج‌البلاغه و قرآن فهمیده است؛ وقتی می‌فرماید تنها راه دلالت بر صالحان، زبان مردم و زبان بندگان خداست، ترجمه به این می‌شود که میزان رأی ملت است. پس اگر خواستید وکیل، رئیس‌جمهور یا حتی رهبری انتخاب کنید، آن چیزی باید باشد که از اینجا درمی‌آید.

■ موافقت مردم با حق، به اقتضای فطرت

امام یک جمله بسیار زیبا در این زمینه دارند که در جلد ۵ صحیفه آمده، وقتی مدام می‌گویند به مردم رجوع کنید، مردم تعیین‌کننده باشند. تعبیر عجیبی در همین فراز دارند که «قهرّاً اشتباه در ۳۰ میلیون جمعیت رخ نخواهد داد» یعنی ۳۰ میلیون جمعیتی که آن روز ایران بودند، این ۳۰ میلیون که اشتباه نمی‌کنند. اگر فکرشان را روی هم بگذارند و همه آن‌ها بیایند و در یک زمینه‌ای انتخابی کنند، اراده خدای متعال از اینجا رد می‌شود، درواقع این‌ها عمودهای این دین هستند و در واقع بروز اراده الهی می‌شوند. ایشان یک جمله‌ای دارند که در جلد ۱۵ صحیفه در تعلیل مثل این ماجرا می‌فرمایند «زیرا مردم و توده‌ها با حق موافق هستند». فطرتاً اگر از طاغوت‌ها آزاد می‌شوند-که امام بزرگوار به کمک ملت، ملت را از دست طاغوت‌ها آزاد کرد- از فرعون‌ها و پهلوی‌ها

مردم در بینش امام (ره)
نه تنها مزاحمتی
ندارند بلکه اصلاً
شدن‌ها و کنش‌های
الهی از ناحیه اراده
مردم است، کشف‌ها
و اثبات‌ها نیز زبان
این مردم است. این
اصلی‌ترین چیزی
است که ما برای
مردم‌سالاری نیاز
داریم.

آزاد می‌شوند، آن وقت دیگر به اقتضای فطری خودشان موافق حق هستند و نمی‌خواهد از این مردم بترسیم که این‌ها بد انتخاب می‌کنند، فلان جور انتخاب می‌کنند، نه، امام می‌فرمایند موافق اراده حق هستند. در مقیاس بزرگ جهانی، ایده امام این بود که حزب بزرگ مستضعفان را تشکیل دهد یعنی تمام مستضعفان عالم علیه مستکبران جمع شوند. آنجا نیز همین تحلیل را می‌آورند که در جلد ۹ صحیفه است: «حزب مستضعفین که همان حزب الله است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است» یعنی اراده حضرت حق از اینجا می‌آید. مردم در این بینش نه تنها مزاحمتی ندارند بلکه اصلاً شدن‌ها و کنش‌های الهی از ناحیه اراده مردم است، کشف‌ها و اثبات‌ها نیز زبان این مردم است. این اصلی‌ترین چیزی است که ما برای مردم‌سالاری نیاز داریم.

■ همه امام‌اند و همه مأموم

غایت این نگاه به مردم چیست؟ یک ولی و یک مردمی که آمده در مقابل طاغوت‌ها نهضت انجام داده و مردم نیز چنین شأنی پیدا کرده‌اند یعنی به عهد السّتی و فطری خودشان برگشته‌اند و دارند این طور حرکت می‌کنند. غایت این حرکت یکی شدن رهبر با مردمش است. این درک فیلسوفانه و عارفانه است که پشتوانه روایی و فقهی هم دارد. امام به کرات می‌فرمود من با شما یکی شده‌ام. اصلاً ما در قرآن شریف نیز می‌گوییم که مستضعفین همه‌شان ائمه (ع) می‌شوند. «نَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً» یعنی امام دیگر یک آدم نیست و بقیه مأموم او؛ وقتی پیوند برقرار شد همه امام‌اند و همه مأموم‌اند. انگار خمینی تکثیر شده است در همه این‌ها. مردم نیز وقتی کنار جمارانش می‌آمدند خیلی خوب می‌گفتند که «روح منی خمینی» یعنی روح تک‌تک این ملت می‌شود. پیوندی از این جنس.

در یک جمله شریفی حضرت امام در پیام ۱۲ فروردین ۵۸ همین غایت را بیان می‌کند. می‌گوید امروز روز حکومت الله است، روز امامت امت است یعنی الان امت امام شدند. وقتی اراده حضرت حق مجرایش اینجاست، وقتی لسان حضرت حق هستند، پس خودشان امام هستند. در جمله دیگری می‌فرماید در دولت شهید رجایی در سال ۶۰ بود: «امروز ملت و دولتی در کار نیست، همه ملت‌اند و همه دولت‌اند».

در جمله دیگری که در جلد ۱۴ صحیفه امام (ره) است: «خمینی دست یکایک شما مردم را می‌بوسد و به یکایک شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خویش می‌داند که بارها گفته‌ام من با شما یکی هستم. رهبری در کار نیست». پس این هم غایتش که اگر ما آن نگاه را به مردم کردیم، این پیوند بین ولی و مردم در عهد فطری خودشان به این می‌انجامد که همه رهبرند.

■ مردم‌سالاری دینی، حرف نو جمهوری اسلامی

به نظر من یکی از اساسی‌ترین آورده‌های امام بزرگوار و حرف نو جمهوری اسلامی دقیقاً همین است. اگر اسلام به تنهایی اجرا شود، این را طالبان